



عکس: ایرنا

چرا پافشاری کمیسیون تلفیق بر افزایش ۲۰ درصدی حقوق همه کارمندان بر خلاف عدالت است؟

دورخیز تلفیق برای تشدید نابرابری

گزارش

توسط مجلس دارد؛ از سوی دیگر برای افرادی که حقوق بالایی دریافت می‌کنند دولت برنامه داشت تا الزامی به افزایش حقوق به میزان ۱۸ درصد میانگین نداشته باشد و فرضاً ۱۰ درصد حقوق افرادی که سقف دریافتی رامشمول می‌شوند افزایش حقوق اعمال کند. اعمال نظر کمیسیون تلفیق و تکلیف دولت بر افزایش حقوق ۲۰ درصدی تمام کارمندان شکاف حقوق دریافتی کارمندان را بشدت تشدید می‌کند و مغایر با عدالت است. از سوی دیگر این اعمال نظر کمیسیون تلفیق از جنبه دیگر منجر به ناترازی شدید بودجه می‌شود، زیرا منابع پایدار درآمدی توسط کمیسیون برای افزایش حقوق ۲۰ درصدی تمام کارمندان در نظر گرفته نشد و کسری بودجه به‌وجود آمده از این ناحیه، منجر به تومی خواهد شد که بار آن بر دوش تمام مردم خواهد بود و این اقدام به دور از تصمیم کارشناسی و منطق اقتصادی است.

طبق برنامه دولت، در لایحه بودجه ۱۴۰۲ علاوه بر اینکه نظام پرداخت‌ها به سمت عدالت حرکت می‌کند و با افزایش ۲۵ درصدی حقوق حداقل‌بگیران و افزایش ۱۰ درصدی حقوق حداکثر‌بگیران بارمالی کمتری برای دولت در پرداخت حقوق و دستمزد ایجاد می‌کند منجر می‌شود، از این ناحیه بودجه دولت دچار ناترازی نشود و هیچ بار تومی بر آحاد مردم نداشته باشد. از سوی دیگر مطلوبیت کارمندانی که حقوق پایین‌تری نیز دریافت می‌کنند بیشتر خواهد بود زیرا رقم افزایش حقوق آنها بیشتر از مصوبه کمیسیون تلفیق خواهد شد. حمایت بیشتر از گروه‌های ضعیف حقوق‌بگیر و افزایش هدفمند کمک هزینه‌های عائله‌مندی و اولاد، تعیین سقف حقوق و مزایا و پاداش پایان خدمت، تدقیق ویژگی‌ها و جایگاه «حق ترمیم» از جمله دیگر نقاط مثبت لایحه بودجه تدوین شده دولت برای سال ۱۴۰۲ در بخش دستمزدها محسوب می‌شود که

عدالت در نظام حقوق دستمزد و حمایت از کارمندان با دریافتی پایین‌تر را دنبال کرده‌است.

پیوست عدالت دولت در سازگار افزایش حقوق کارمندان

افزایش ناخالص حقوق کارکنان دولت به‌صورت پلکانی معکوس از ۲۵ درصد تا ۱۰ درصد که به‌طور متوسط ۱۸ درصد در نظر گرفته شده است را می‌توان جلوه‌ای از پیوست عدالت دولت در تعیین سازگار افزایش حقوق‌ها در سال آینده عنوان کرد. باتصمیم دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۲ حقوق افرادی که از متوسط حقوق کمتر می‌گیرند از حقوق افرادی که از متوسط بیشتر می‌گیرند، بیشتر رشد خواهد کرد و فاصله حقوق‌ها کاهش می‌یابد.

اگر هدف سیاست‌های بازتوزیعی دولت بهبود معیشت ۵ دهک پایین باشد، سیاست‌های افزایش حقوق و دستمزد گسترده کارکنان دولتی در این حوزه

حمایت تلفیق از نجومی بگیران؟

دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۲ افزایش میانگین ۱۸ درصدی حقوق کارمندان را برنامه‌ریزی کرد و در نظر داشت حقوق افرادی که حداقل حقوق را می‌گیرند از حقوق افرادی که حداکثر حقوق را دریافت می‌کنند، بیشتر رشد کند و فاصله حقوق‌ها کاهش یابد درحالی که کمیسیون تلفیق بر افزایش ۲۰ درصدی حقوق تمام کارمندان مصراست

مغالطه به سبک سخنگوی کمیسیون تلفیق!

ایجاد مخاطره اخلاقی در بازار سرمایه؟ کمیسیون تلفیق چه پیشنهاد می‌کند؟ گفت: «مسائلی که رئیس سازمان برنامه و بودجه برای افزایش درآمد‌های بودجه مطرح کرده از جمله راحت‌ترین کارهاست لذا ما توقع داریم سازمان برنامه و بودجه در بسیاری از بخش‌ها تصمیمات درستی را اتخاذ کرده و از هزینه‌های خود کسر و به بهبود شرایط اقتصادی مردم بپردازد.» اینکه زارغ در پاسخ به این ابهام که توسط سازمان برنامه مطرح شده پاسخ مناسبی ننواسته ارائه دهد و به خود سازمان محول کرده نیز به نوع خود جالب است و احتمالاً وی پاسخی نداشته که ارائه دهد. با توجه به این مغالطه توسط زارغ به نظر می‌رسد وی و برخی از همکارانش در کمیسیون تلفیق اساساً به فکر ایجاد درآمد‌های پایدار در بودجه نیستند بلکه صرفاً به دنبال هزینه‌تراشی در لایحه بودجه‌اند.

مجلس با پیشنهاد دولت برای افزایش میانگین حقوق همراهی کند

علی بهادری چهرمی در حاشیه جلسه دیروز هیأت دولت در جمع خبرنگاران اظهار کرد: از مجلس خواهش می‌کنم کمک کنند پیشنهاد دولت برای افزایش میانگین حقوق در لایحه بودجه تصویب شود تا شرمنده حداقل‌بگیرها نباشیم و بتوانیم به سمت عدالت در پرداخت‌ها حرکت کنیم. سخنگوی دولت در پاسخ به پرسشی درباره افزایش حقوق، اظهار کرد: باید سعی کنیم در سقف منابع موجود، هزینه‌ها را پیش‌بینی کنیم، اگر منبعی واقعی پیش‌بینی می‌شود، می‌توان هزینه آن را افزایش داد. اگر جز این باشد، خلق هزینه اضافه یعنی خلق تورم برای مردم. مردم خواسته‌شان نبود تورم است و خواهش ما این است بودجه‌ای تراز ببندیم.

وی افزود: تاگید دولت برافزایش میانگین ۱۸ یا ۲۰ درصد حقوق است؛ این پرداخت حقوق عادلانه است. یعنی کسی که حداقل‌بگیر است یا حقوق پایین دارد دولت امکان افزایش ۳۰ درصدی حقوق برای او داشته باشد چراکه دریافتی کمتر دارد و این افزایش برای او ۳ میلیون تومان است. اما کسی که حقوق ۵۰ میلیونی می‌گیرد دلیلی ندارد که ۲۰ درصد افزایش حقوق داشته باشد. او با ۱۰ درصد افزایش حقوق، ۵ میلیون تومان دریافتی بیشتر دارد.

این است که نابرابری‌ها در سراسر کشور افزایش یافته و فقر به طور فزاینده‌ای در مناطق جنوب شرقی و شمال غربی متمرکز شده است. در پایان دهه مذکور اختلاف درآمدی میان منطقه جنوب شرقی کشور و منطقه تهران از ۲۹ درصد به ۳۶ درصد افزایش یافته است.

توزیع نابرابر حتی در فقر

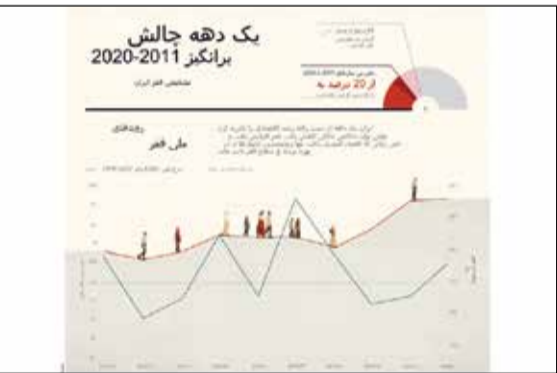
بانک جهانی در گزارش خود همچنین تأکید کرده که یک رابطه احتمالی میان تغییرات اقلیمی و افزایش فقر در ایران قابل شناسایی است. طی دهه‌های گذشته دوره‌های خشکسالی به فراوانی و با شدت بیشتری به وقوع پیوسته که ممکن است در رشد نرخ فقر مؤثر باشد. مناطقی روستایی ایران بویژه در شمال غرب کشور در برابر خشکسالی آسیب‌پذیر هستند، همچنین ارتباطی قوی میان افزایش نرخ فقر در سطوح استانی و سهم نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی وجود دارد. تغییرات اقلیمی ممکن است روند مهاجرت از روستا به شهر را تقویت کند. بر مبنای این گزارش با شدت یافتن روند افزایش نرخ فقر، مشخصات فقر نامتوازن‌تر شده است؛ خانوارهای فقیر پر جمعیت‌تر هستند و دلیل داشتن فرزندان بیشتر، نسبت وابستگی اقتصادی بالاتری هم دارند، بسیاری از زنان سرپرست خانوار فقیر هستند و طی دهه اخیر بیشتر در معرض فقیر شدن قرار گرفته‌اند. تقریباً نیمی از زنان سرپرست خانوار فاقد تحصیلات هستند که پتانسیل درآمدزایی آنها را محدود می‌کند، در حالی که نتایج سیاست‌های آموزشی دولت در خصوص همه گروه‌ها مثبت بوده است فقرا همچنان از سطوح تحصیلات بسیار

نرخ فقر احتمالاً ۴٫۱ واحد درصد افزایش می‌یافت. بر مبنای این گزارش، طی دهه ۲۰۲۰-۲۰۱۱ و در نتیجه تورم، دستمزدهای واقعی و درآمد‌های خوداشتغالی برای ۸ دهک پایینی درآمدی ثابت باقی مانده است. تمرکز بر روند درآمد نیروی کار در بخش‌های مختلف نشان‌دهنده این است که درآمد مشاغل بخش خدمات یقه سفید در دوره‌های رونق افزایش بیشتری یافته و در دوره‌های رکود، کمتر کاهش یافته است. در حالی که در خصوص نیروی کار یقه آبی افزایش درآمد ناچیز مشاغلی که فقیرترین گروه‌ها در آن تمایل به فعالیت دارند منجر به افزایش فقر آنان شده است.

تمرکز جمعیت فقیر در روستاها

این گزارش می‌افزاید: طی دهه ۲۰۲۰-۲۰۱۱ جمعیت فقیر به‌طور فزاینده‌ای در مناطق روستایی متمرکز شده‌اند. در پایان دوره مذکور، تقریباً نیمی از جمعیت روستایی با فقر مواجه‌اند. با وجود افزایش فقر به صورت کلی، شکاف درآمدی بخش روستایی و شهری تعمیق شده است، به نحوی که در مناطق روستایی نیز شاهد تفاوت‌های درآمدی زیادی در بین بخش‌های مختلف هستیم. در پایان دوره مذکور بیش از نیمی از نیروی کار بخش کشاورزی با فقر مواجه‌اند. در شرایطی که این میزان برای کشاورزان خویش‌فرما و نیروهای خویش‌فرمای سایر بخش‌ها، ۳۶ درصد بوده است. با توجه به اینکه جمعیت روستایی در واکنش به وخامت شرایط اقتصادی کاهش مصرف بیشتری را تجربه کرده‌اند، عمق فقر نیز در مناطق روستایی بیشتر شده است.

گزارش بانک جهانی همچنین حاکی از



این گزارش همچنین تأکید دارد که در شرایط فعلی، زمینه مساعدی برای رسیدگی به نابرابری‌ها فراهم است. نتایج مثبت اجتماعی در زمینه فقرزدایی، گواهی بر اثربخشی آنها به‌عنوان ضربه‌گیر در برابر نوسانات برنامه‌های حمایت اقتصادی است. کمک به کشاورزان در جهت انطباق با خشکسالی مداوم و ایجاد فرصت‌هایی برای افرادی که متمایل به خروج از بخش کشاورزی هستند، زمینه‌ساز جلوگیری از تعمیق شکاف درآمدی بخش‌های روستایی و شهری خواهد شد. همچنین توجه به رفع نابرابری‌های درآمدی با منشأ جنسیتی و تشویق زنان به حضور در بازار کار در رفع نابرابری‌ها و افزایش رشد اقتصادی مؤثر خواهد بود.

پایین‌تری برخوردار بوده و آسیب‌پذیرترین افراد در برابر رکود اقتصادی بوده‌اند.

توزیع نابرابر خدمات اولیه زیربنایی

دسترسی به خدمات اولیه زیربنایی در کشور تقریباً عمومی‌ت یافته است؛ به استثنای مواردی نظیر دسترسی به فاضلاب مدرن و اینترنت که در مورد آنها شکاف زیادی میان خانوارهای روستایی و شهری وجود دارد، به طوری که تنها یک درصد از خانوارهای روستایی به فاضلاب مدرن دسترسی دارند. ایران پیشرفت‌هایی در دسترسی به تلفن همراه و اینترنت را رقم زده است، با این حال نیمی از ساکنان مناطق روستایی همچنان از دسترسی به اینترنت محروم هستند.